

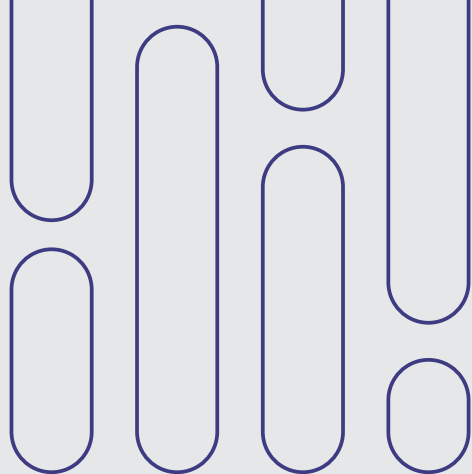
پژ و هـش

واکنش جنبش فمینیستی آلمان به اعتراضات «مهسا امینی» در ایران؛ موازنه میان سیاست خارجی هنجاری و واقعی

13 اگست 2023

نیکولاس ویربک

مشاور مجمع همکاریهای بین المللی آلمان و سخنگوی تیم
پژوهشهای سیاست خارجی و نظریه روابط بین الملل



فهرست

- 3.....نخست: چارچوب نظری.....
- دوم: منطق واقع گرایی سیاست خارجی
- 6.....آلمان در قبال ایران
- سوم: منطق داخلی حاکم بر سیاست خارجی آلمان در
- 9.....قبال ایران
- چهارم: واکنش آلمان در قبال افزایش برخورد خشونت
- 13.....آمیز با تظاهر کنندگان ایرانی
- 16.....پنجم: پیامدها و دورنمای آینده.....

به باور برخی ناظران، آلمان در مقابل سرکوب و قلع و قمع اعتراضات «مهسا امینی» توسط نظام ایران، واکنش تنیدی از خود نشان داد و از قدرتهای دیگر نیز خواست تا واکنشهای جدی تری نسبت به این مسأله از خود نشان دهند. این پژوهش برای بررسی واکنش آلمان، از روش تحلیل تاریخی بر اساس دیدگاه واقع گرایی نوکلاسیک بهره می گیرد. موضوع این پژوهش، بررسی منطق روشمند اقدامات سیاست خارجی آلمان در قبال ایران بعد از اعتراضاتی است که در پی کشته شدن مهسا امینی در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ میلادی کشور را فراگرفت. همچنین، این پژوهش عوامل داخلی که واکنشهای کنونی آلمان در قبال اعتراضات مردمی ایران را شکل داد یعنی همان تحولی که در سیاست خارجی فمنیستی آلمان روی داده است، را به بررسی می گیرد. علاوه بر آن، این پژوهش واکنشهای آلمان بعد از واقعه را مورد ارزیابی قرار می دهد و دامنه حمایت آلمان از اعتراضات آینده در ایران را به بحث می گیرد.

پژوهش حاضر به این مسأله می پردازد که سیاست خارجی فمنیستی جدید در آلمان بدون اینکه منافع این کشور را در چارچوب «واقع گرایی سیاسی / Realpolitik» یعنی سیاستی که به قدرت و مسائل مادی و عملی تکیه دارد توجهی داشته باشد، سقف انتظارات درباره واکنشهای احتمالی آلمان در قبال ایران را بالا برد. از این رو، بیشتر ناظران بر این باورند که سیاست خارجی آلمان در قبال سرکوب اعتراضات مردمی توسط نظام، از شفافیت چندانی برخوردار نیست. اگر نظام ایران به تنش بیشتر روی آورد، واکنش آلمان به اعمال تحریمهای محدود و محکوم کردن دیپلماتیک خلاصه خواهد شد مخصوصا اگر منافع حیاتی آلمان در چارچوب واقع گرایی سیاسی در ایران به مخاطره نیفتد.

نخست: چارچوب نظری

در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ میلادی یک دختر جوان کرد بنام مهسا امینی توسط گشت ارشاد به قتل رسید. به دنبال آن و در سپتامبر ۲۰۲۲ میلادی اعتراضات مردمی سراسر ایران را فراگرفت. پرچمدار این اعتراضات که بیشتر

بر افزایش حقوق زن تأکید داشت، زنان بودند. آیت الله علی خامنه ای این اعتراضات را «اغتشاشات» و «جنگ ترکیبی» خواند که از سوی کشورهای بیگانه و جدایی طلبان خارج نشین دنبال می شود. برخورد خشن نظام با معترضین با محکومیت های گسترده ای روبرو شد.^(۱)

برخی کنشگران حقوق بشر و فرهیختگان آلمانی و ایرانی واکنش دولت آلمان در مقابل سرکوب اعتراضات مردمی در ایران را ناکافی خواندند.^(۲) اما ملاحظه شده است که آلمان در مجامع بین المللی در موارد نقض حقوق بشری واکنش تندتری نسبت به قبل از خود نشان داده است.^(۳) در همین زمینه، پژوهشهایی که در گذشته در این مورد صورت گرفته اند، نیز به نتایج متناقضی دست یافته اند. برخی از این پژوهشها از آلمان بخاطر شکست در اجرای ارزشهای هنجاری در زمینه تعامل با ایران در طی اعتراضات انتقاد می کنند^(۴) و برخی دیگر، آلمان را بخاطر هنجارمندی بیش از حد که باعث آسیب زیاد به منافع اقتصادی و امنیتی آلمان شده اند، محکوم می کنند. در اینجا منظور از هنجارمندی (Normativity) همان معیار درست و خطا از منظر نظامهای سیاسی و جوامع است.^(۵)

در این پژوهش برای بررسی عواملی که در واکنش آلمان مخصوصاً در بحبوحه تحولات تازه ای که در «سیاست خارجی فمینیستی/FFP» در آلمان پدید آمده است، در قبال قلع و قمع اعتراضات توسط نظام ایران تأثیرگذار بوده است، از روش تحلیل تاریخی بر اساس دیدگاه واقع گرایی نوکلاسیک بهره می گیرد. از سال ۲۰۲۱ میلادی سیاست خارجی فمینیستی آلمان سقف

(۱) *UK Parliament*, «Protests in Iran: Death of Mahsa Amini-House of Lords Library», (October ۲۰۲۲), accessed April ۲۰۲۳ ۱۰. <https://bit.ly/۳KM0mMT>

(۲) *ZDF*, «Navid Kermani: Kanzler Ergreift Mit Seinem Schweigen Partei», (October ۲۰۲۲, ۳۰), accessed April ۲۰۲۳ ۱۰. <https://bit.ly/۳۰SB۰hj>

(۳) *Deutsche Welle*, «Iran Summons German Ambassador over Interference», (October ۲۷, ۲۰۲۲), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳۰۱۲OSl>

(۴) Mittelhammer, Barbara, and Cornelius Adebahr, «Women, Life, Freedom: A German Feminist Foreign Policy towards Iran», Heinrich-Böll- Stiftung, (January ۲۰۲۳, ۲), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳۱hlFqi>

(۵) Parkes, Roderick, Dana Schirwon, and Leonie Stamm, «Iran Is No Litmus Test for Germany's Feminist Foreign Policy», *Internationale Politik Quarterly*, (January ۲۰۲۳, ۲۰), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳UuEW0K>

انتظارات در زمینه واکنش آلمان در قبال ایران را بالا برد؛ بدون اینکه منافع حیاتی در چارچوب سیاست واقع‌گرایی و نفوذ محدود را در نظر بگیرد. از این رو، اگر نظام ایران به تنش بیشتر روی آورد، در اینصورت واکنش آلمان بر اعمال تحریم‌های محدود و محکوم کردن‌های دیپلماتیک محدود خواهد ماند؛ مخصوصاً اگر منافع حیاتی آلمان در چارچوب واقع‌گرایی سیاسی در ایران مورد تهدید قرار نگیرد. و این رویکرد با اصول سیاست خارجی فمینیستی آلمان تعارضی نخواهد داشت.

دیدگاه واقع‌گرایی نوکلاسیک^(۱) به حضور نسبی قدرتها در نظام بین‌الملل به عنوان چارچوب محوری سیاست خارجی کشور می‌نگرد. اما واقع‌گرایی نوکلاسیک به این حضور از منظر عوامل تأثیرگذار در سیاست داخلی می‌نگرد. برخی از این عوامل مانند تصورات تصمیم‌سازان اصلی، گروه‌های ذی‌نفع سیاسی، فرهنگ راهبردی و نهادهای کشور می‌توانند تأثیرات بیشتری بر تصمیمات سیاست خارجی بگذارند؛ به گونه‌ای که محدودیت‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیک نظام بین‌الملل را نادیده می‌گیرد. به وسیله این چارچوب تحلیلی به خوبی می‌توان واکنش آلمان در قبال سرکوب‌گسترده اعتراضات توسط نظام ایران، را مورد ارزیابی قرار داد. قبلاً، این باور وجود داشت که پارامترهای واقع‌گرایی سیاسی (منافع امنیتی و اقتصادی) نقش فعالی در ایجاد روابط آلمان و ایران دارند. اما امروز ما شاهدیم بدون اینکه در این پارامترها یعنی منافع امنیتی و اقتصادی تغییری روی داده باشد، روابط میان دو کشور دچار دگرگونی عظیمی (نابسامانی) شده است. و تفسیر این دگرگونی روابط در رفتار آلمان در سطح داخلی نهفته است. و میزان این تغییر رفتار به تأثیر این پارامترهای جدید داخلی در مقایسه با عوامل ساختاری متعارف (امنیت و اقتصاد به معنای کلاسیکی) بستگی دارد. تحولی از سال ۲۰۲۱ میلادی در سیاست خارجی آلمان پدید آمده یکی از مهمترین عوامل داخلی است که در ایجاد انتظارات سیاست خارجی آلمان در قبال ایران نقش دارد.

این پژوهش، منطق الگوی سیاست خارجی آلمان در قبال ایران را بررسی

(۱) Ripsman, Norrin M., Jeffrey W. Taliaferro, and Steven E. Lobell, *Neoclassical Realist Theory of International Politics*, (New York, NY: Oxford University Press, ۲۰۱۶).

می کند و سپس، عوامل داخلی که در واکنش کنونی آلمان در قبال اعتراضات ایران نقش داشته است، مخصوصاً تغییری که در سیاست خارجی فمینیستی آلمان پدیده آمده را زیر ذره بین می برد. و در همین زمینه، پژوهش حاضر واکنش آلمان در قبال سرکوب اعتراضات مردمی ایران را به بررسی می گیرد و به دامنه حمایت‌های احتمالی و فزاینده آلمان از اعتراضات آینده ایران توجه نشان می دهد.

دوم: منطق واقع گرایی سیاست خارجی آلمان در قبال ایران

روابط دوجانبه میان آلمان و ایران بر اساس منافع اقتصادی و امنیتی شکل گرفته است. آلمان به عنوان بخشی از سیاست توازن، تلاش نمود روابط اقتصادی تنگاتنگی با ایران برقرار کند. اما در زمینه تهدید امنیتی روزافزون برنامه هسته ای ایران آلمان تلاش نمود با پیروی از سیاست‌های واشنگتن برای کاهش تنش، به ایران فشار آورد. بخاطر روابط اقتصادی تنگاتنگ مخصوصاً در بخش فناوری، آلمان اصلی ترین شریک تجاری اروپایی ایران به شمار می رود. این امر، این فرصت را برای آلمان فراهم ساخت تا هم سود اقتصادی کلانی برای خود رقم بزند و هم این رویکرد را به عنوان نوعی سیاست ایجاد «تغییر از طریق تجارت» به جهان معرفی کند. این سیاست حتی تا چندی قبل نیز در سیاست آلمان جای داشت که ممکن است افزایش میزان تجارت که به دیپلماسی فعال ارتباط دارد، توجه کشورها را به تقویت دمکراسی سوق دهد^(۱).

با این همه، به نظر می رسد که این سیاست - حداقل از زمان حمله روسیه به اوکراین - شکست خورده است. و در مقابل سیاست توازنی که آلمان در پیش گرفته است، برلین برای مهار رفتارهای خصمانه فزاینده تهران در منطقه، تلاش می کند از طریق همکاری با همپیمانان سنتی در غرب مانند ایالات متحده به تهران فشار آورد. در سایه موضع نسبتاً معتدل

(۱) *Iran International*, «'Old Dreams: ' German-Iran Relations Turn Sour», (October ۲۰۲۲, ۲۸), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۴۰TdnW۸>

آلمان در قبال ایران، تهران همواره به برلین به دیده قدرتی نگریسته است که در مقابل ایالات متحده موازنه ایجاد می کند و میان تهران و غرب میانجیگری می کند^(۱).

اکنون جا دارد که ابعاد روابط اقتصادی و امنیتی روابط آلمان و ایران در سالهای اخیر را به شرح زیر مورد بررسی قرار دهیم:

یک. روابط اقتصادی:

آلمان بزرگترین شریک تجاری ایران در اتحادیه اروپا است. در بازه زمانی ژانویه تا نوامبر ۲۰۲۲ میلادی میزان صادرات آلمان به ایران با رشد ۱۲,۷ درصدی به ۱,۵ میلیارد یورو رسید. این در حالیست که میزان مبادلات تجاری کل سال ۲۰۲۱ میلادی بالغ بر ۱,۴ میلیارد یورو بود. و این مربوط به زمانی است که ایران تحت تحریمهای شدید امریکا قرار داشت. بعد از آنکه در می ۲۰۱۸ ایالات متحده از توافق هسته ای خارج شد، به دلیل تحریمهای اولیه و ثانویه که در چارچوب فشارهای حداکثری امریکا علیه ایران اعمال شد، حجم تجارت میان ایران و اروپا در مقایسه با سال ۲۰۱۷ میلادی بیش از ۷۸ درصد کاهش یافت. با این همه، در سال ۲۰۲۰ میلادی در آلمان ما شاهد یک رویکرد مثبتی در مورد تجارت با ایران بودیم. و مبادلات تجاری به میزان ۶ درصد افزایش یافت و به ۰,۸ میلیارد یورو یعنی حدود یک میلیارد یورو رسید و این بالاترین میانگین تجارت ایران با اتحادیه اروپا است که به ۷۰۰ میلیون یورو رسیده است. در کل، دلیل اصلی کاهش میزان مبادلات تجاری در مقایسه با سالهای قبل به تنوع شرکای تجاری ایران باز می گردد؛ مخصوصا با افزایش نقش چین در دوره تحریمها و بعد از خروج امریکا از برجام. با این همه، علی رغم کاهش میزان مواد خام (مخصوصا نفت خام و میعانات گازی) در مبادلات تجاری دوجانبه که به دلیل تحریمهای اداره ترامپ علیه ایران به صفر رسید، اما روابط اقتصادی ایران و آلمان در قبال بسیاری از تحریمهای بین المللی علیه ایران نسبتا نرمش داشته است. در اینجا لازم است به این نکته نیز اشاره کنیم که مواد خام از جمله

(1) Faranak Khodnegah, Davoud Kiani, and Mahdi Javdani Moghaddam, «Iran in Germany Balancing Policy», *Studies of International Relations Journal*, (Vol. ۱۳, no. ۳, November ۲۰۲۰, ۲۱), pp. ۳۷-۷۲.

کالاهایی است که مورد سخت‌ترین تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت. از این رو، اکثر کالاهای مورد مبادله میان ایران و آلمان تا حدودی از تأثیر تحریمها در امان ماند؛ به این معنا که بازار ایران که بخاطر اهمیتی که برای آلمان دارد، اندکی رونق خود را از دست داد^(۱).

دو. روابط امنیتی:

آلمان مخالفت خود را با دستیابی ایران به بمب هسته‌ای اعلام کرده است و روابط دوجانبه میان دو کشور بر این اساس استوار است؛ به ویژه اینکه عدم دستیابی ایران به بمب هسته‌ای در روابط اقتصادی تأثیر گذاشته و زمینه را برای تعاملات سیاسی منظم میان دو کشور هموار می‌سازد. در جولای ۲۰۱۵ میلادی آلمان تنها کشور غیر عضو شورای امنیت بود که در کنار پنج عضو دائم شورای امنیت «برجام» را با ایران به امضا رساند. این توافق جلوی کاربرد نظامی انرژی هسته‌ای ایران را گرفت. آلمان، فرانسه، انگلستان و نیز اتحادیه اروپا حتی بعد از خروج آمریکا از برجام، همچنان به حمایت خود از برجام ادامه دادند. از آوریل ۲۰۲۱ میلادی، تروئیکای اروپایی (آلمان، انگلستان و فرانسه) مذاکراتی را با روسیه، چین، ایران و ایالات متحده انجام داد تا ایالات متحده را به بازگشت به «برجام» ترغیب نمایند و ایران نیز به تعهدات برجامی خود بازگردد^(۲). اما با این همه، آلمان در اواخر دسامبر ۲۰۲۲ میلادی اعلام کرد که در حال حاضر دلیلی برای ادامه مذاکرات برجامی وجود ندارد زیرا ایران به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای اجازه بازدید از تأسیساتی که در آنجا آثار اورانیوم یافت شده، را نمی‌دهد و در مذاکرات هسته‌ای سطح مطالبات خود را افزایش داده است و نیز وضعیت حقوق بشر در ایران که اعتراضات مردمی توسط رژیم ایران با خشونت تمام سرکوب می‌شود، بسیار وخیم است^(۳).

آلمان بعد اینکه «برنامه جامع اقدام مشترک» در سال ۲۰۱۵ میلادی به

(۱) *Modern Diplomacy*, «German Exports to Iran Increase %۱۲,۷», (January ۲۰۲۳, ۱۱), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <https://bit.ly/۳miHIFd>

(۲) *Arms Control Association*, «Timeline of Nuclear Diplomacy With Iran», (January ۲۰۲۳), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳Gx۹C۰h>

(۳) *Middle East Monitor*, «Germany Says It Sees No Reason to Resume Iran Nuclear Talks», (December ۲۰۲۲, ۲۸), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳ZVnhVT>

امضا رسید، تلاش کرد برای حفظ ثبات در منطقه میان عربستان سعودی و ایران موازنه برقرار کند. اما بعد از اینکه آلمان و اتحادیه اروپا به علت جنگ اوکراین سیاست انرژی و امنیت را مورد توجه قرار دادند و در پی حمایت نظامی ایران از روسیه و افزایش موارد نقض حقوق بشر در ایران، زمینه همکاریهای تنگاتنگ میان آلمان و اتحادیه اروپا و کشورهای خلیج بیش از پیش فراهم شد^(۱). ولی به دلیل عدم توجه برلین به فعالیتهای برهم زننده ثبات منطقه ای ایران، و کوتاهی برلین در حمایت از صنعت تسلیحاتی در کشورهایی چون پادشاهی عربستان سعودی^(۲)، این همکاری هنوز چندان موفقیت آمیز نبوده است.

و خلاصه اینکه، می توان گفت که عوامل اقتصادی و امنیتی در شکل گیری رابطه آلمان با ایران در سالهای اخیر نقش داشته است. و تا چندی پیش پرونده ایران تأثیر چندان بر این روابط نداشت. اما با این همه، به دلیل مطالبات فزاینده داخلی مبنی بر توجه به الگوی سیاست خارجی با گرایش حقوق بشری اهتمام آلمان به مسائل حقوق بشری که اصول ارشادی برنامه «سیاست خارجی فمینیستی FFP /» است، حداقل از سال ۲۰۲۱ میلادی افزایش یافت. سیاست خارجی فمینیستی جدید آلمان که اخیراً در آلمان منتشر شده است، در بخش آینده به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد^(۳).

سوم: منطق داخلی حاکم بر سیاست خارجی آلمان در قبال ایران

طرفهای مختلفی در تصمیم سازی داخلی در واکنش آلمان در قبال اعتراضات مردمی ایران نقش دارند. این امر آلمان را بر آن داشته است تا انتقادات تندتری در قبال ایران از خود نشان دهد. اکنون به توضیح این

(۱) This trend is underlined by the new EU strategy paper on strategic partnership with the Gulf (۲۰۲۲).

(۲) Sebastian Sons, «A New Momentum: Recalibrating Germany's Foreign Policy toward the Gulf Monarchies», *Middle East Institute*, (January ۲۰۲۳, ۲۰), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳UpgdjA>.

(۳) Auswärtigen Amts, «Feministische Außenpolitik Gestalten. Leitlinien des Auswärtigen Amts», (March ۲۰۲۳, ۱), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <https://bit.ly/۳ZUv۰mY>

مطلب می پردازیم:

یک. تمرکز دولت بر حقوق بشر

«حزب سوسیال دموکرات SPD/» آلمان به رهبری اولاف شولتز خود را حزب صلح می داند که بر دیپلماسی و گفتگو، جلوگیری از بروز بحرانهای مدنی، ایجاد صلح و نیز فعالیت بین المللی چند جانبه تمرکز دارد و تا کنون شولتز در مواردی که به سیاست خارجی ارتباط دارد، از خود واکنش نشان داده است. اما «حزب سبز آلمان» با در دست گرفتن سیاست خارجی اروپایی فعال و در راستای تقویت صلح و حقوق بشر و نیز حمایت از آب و هوا، عملاً بخشی از دولت است و این حزب با پیگیری پیاپی آنالنا بربوک وزیر خارجه، از سیاست خارجی فمینیستی حمایت می کند. تفاهمنامه ائتلاف حاکم در آلمان که در نوامبر ۲۰۲۱ میلادی ایجاد شد، حاصل همین پای بندی است. در این تفاهمنامه تصریح شده است: «می خواهیم با همکاری شرکای خود حقوق بشر و نقش آفرینی زنان و دختران در سرتاسر جهان را تقویت نماییم. و تنوع اجتماعی به نحوی که با سیاست خارجی فمینیستی FFP/ همسو باشد را نیز تقویت نماییم»^(۱). سیاست خارجی فمینیستی الگویی مبتنی بر حقوق بشر است و بر امنیت انسانها تمرکز دارد و به مسائل برابری جنسیتی توجه خاصی دارد. از موارد اصلی سیاست خارجی فمینیستی می توان به حمایت از زنان و دختران و اقمشاری که مورد بی توجهی قرار گرفته اند، «در هم تنیدگی و یا همپوشانی اشکال تبعیض» که شاخه ای از فمینیسم است و در هم تنیدگی انواع تبعیض را در تمام اشکال سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار می دهد، حمایت از گروههای دیگر در مناقشات مسلحانه، مشارکت برابر آنان در روند صلح سازی و توجه به زن در هنگام تخصیص بودجه اشاره کرد.

علاوه بر آن، اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل با عنوان «زن، صلح و امنیت» از اصول اولیه ارشادی است که آلمان در برنامه جدید سیاست خارجی فمینیستی خود گنجانده است. هدف این قطعنامه سهم

(۱) *Sozialdemokratische Partei Deutschlands (SPD)*, «Koalitionsvertrag Zwischen SPD, Bündnis ۹۰/Die Grünen Und FDP», (November ۲۰۲۱, ۲۴), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <https://bit.ly/۳Krpt1F>

ساختن دیدگاه زنان و اقشار به حاشیه رانده شده در فعالیت جهانی برای صلح و امنیت است. از همان سال ۲۰۰۰ که قطعنامه ۱۳۲۵ صادر شد، آلمان یکی از طرفداران جدی آن بود^(۱). در ادارات دولتی از الگوی «D+3R» یاد می‌شود که هدف از آن حمایت از حقوق، حضور و نقش آفرینی زنان و اقشار به حاشیه رانده و نیز حمایت از تنوع‌گرایی است^(۲). این الگو برای اولین بار در چارچوب سیاست خارجی فمینیستی سوئد ارائه شد. این الگو از دیدگاه بخش‌های متعدد و دیدگاه پسااستعماری چندین هدف را دنبال می‌کند که عبارتند از: اولاً، ایجاد حقوق برابر و مشارکت برابر در روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای زنان و اقشار به حاشیه رانده شده. ثانیاً، تأمین بودجه کافی برای سیاست خارجی فمینیستی، تأمین فرصت‌ها برای زنان و گروه‌های حاشیه‌ای، دسترسی به منابع مالی، انسانی و خدادادی و دسترسی به منابع غیر ملموس چون آموزش و اینترنت. در کل، سیاست خارجی فمینیستی آلمان دارای ده اصل ارشادی است که برای تحقق برابری در حقوق و نقش آفرینی زنان و دسترسی آنان به منابع، بر فعالیت‌های علنی و سایبری تمرکز دارد. علاوه بر آن، از برابری جنسیتی، تنوع و ادغام در جامعه آلمان و خدمات دیپلماتیک نیز باید حمایت شود. الگوی جدید سیاست با تمرکز بر امنیت انسانی که ابعاد اجتماعی و اقتصادی را شامل می‌شود با فرهنگ راهبردی آلمان در خویشتنداری از لحاظ نظامی و تمرکز بر مدیریت مناقشات غیر نظامی که بعد از جنگ جهانی دوم در فضای سیاسی کشور جا خوش کرده است، تناسب دارد.

دو. جامعه مدنی گویا:

جامعه مدنی همواره آلمان را به واکنش در قبال ایران وا می‌دارد. در اکتبر ۲۰۲۲ میلادی یک راهپیمایی در برلین به راه افتاد که در آن ۸۰ هزار نفر از سراسر اروپا شرکت کردند. و بعد از آن شهرهای دیگری چون هامبورگ، شتوتگارت شاهد راهپیمایی گسترده تری علیه نظام ایران بود. پیام این

(۱) Auswärtigen Amts, «Feministische Außenpolitik Gestalten. Leitlinien des Auswärtigen Amts», Ibid.

(۲) German Federal Foreign Office, «Inclusion Rather than Exclusion: What Is Feminist Foreign Policy?» (May ۲۰۲۲, ۳), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <https://bit.ly/۴1fITgF>

راهپیمایی‌ها اعلام همبستگی با اعتراضات مردمی ایران بود که از اکتبر ۲۰۲۲ تا ژانویه ۲۰۲۳ ادامه داشت^(۱). ایرانیان مقیم آلمان که تعداد آنها به ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌رسد، و نیز اتحادیه اروپا یک‌صد از آلمان خواستند تا واکنش‌های جدی‌تری در مقابل رژیم ایران اتخاذ کند. به عنوان مثال، در ژانویه ۲۰۲۳ میلادی، ایرانیان مقیم آلمان طی یک راهپیمایی در شهر استراسبورگ از اتحادیه اروپا خواستند تا سپاه پاسداران را به عنوان یک گروهک تروریستی بشناسد^(۲).

و برای اینکه آلمان در قبال اعتراضات مردمی و نقض حقوق بشر در ایران به واکنش ضعیف و پایین‌تر از سطح مطلوب اکتفا نکند و از معیارهای واقعی و والای سیاست خارجی فمنیستی تخطی صورت نگیرد، طرف‌های تأثیرگذار در جامعه مدنی خواهان انزوای سیاسی و اقتصادی کامل نظام ایران شدند. خواسته‌های اصلی آنان عبارتند از:

- اول: معرفی سپاه پاسداران ایران به عنوان یک سازمان تروریستی.
 - دوم: معرفی ایران به عنوان یک دولت تروریستی.
 - سوم: بیش از این با رژیم ایران گفتگو صورت نگیرد.
 - چهارم: قطع روابط دیپلماتیک با ایران
 - پنجم: اخراج سفیر ایران از آلمان
 - ششم: بستن سفارت ایران در برلین.
 - هفتم: اعمال تحریم‌های گسترده‌تر و سختگیرانه‌تر علیه همه سران و مسئولین رده بالای رژیم ایران.
- با توجه به افزایش سطح انتظارات و مطالبات فعالین جامعه مدنی، اما - همانطور که در بخش پیش رو توضیح می‌دهیم - حمایت آلمان از اعتراضات مردمی ایران به حدی نرسید که جامعه مدنی انتظار داشت.

(۱) *Associated Press*, «Protest against Iranian Regime Draws Thousands in Berlin», (October ۲۲, ۲۰۲۲), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳MutEfC>

(۲) *Iran International*, «Iranian Rally in Strasbourg Calls on Europe to List IRGC as Terrorists», (January ۲۰۲۳, ۱۶), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳mlyEEnu>

چهارم: واکنش آلمان در قبال افزایش برخورد خشونت آمیز با تظاهر کنندگان ایرانی

چندین اقدام ایران، آلمان را به اتخاذ موضع ضد ایرانی سوق داد. این اقدامات عبارتند از: اول، ایران اعتراضات مردمی که خواهان آزادی بودند را سرکوب کرد. دوم: ایران در جنگ روسیه علیه اوکراین، از روسیه حمایت کرد. سوم: ایران از همکاری با آژانس بین المللی انرژی هسته ای سرباز زد. با این همه، پرونده حقوقی «بد» نظام ایران، و سرکوب اعتراضات، اصلی ترین عواملی بودند که آلمان را به اتخاذ موضع ضد ایرانی واداشت. اکنون به توضیح موضع آلمان می پردازیم:

یک. ابتکارهای دیپلماتیک

اولاف شولتز صدر اعظم آلمان بارها و بارها در رسانه ها و نیز در دیدارهای دوجانبه با مقامات ایرانی، سرکوب اعتراضات مردمی و دست زدن به عملیات تروریستی را محکوم کرده است. این اظهارات آقای اولاف شولتز مخصوصا سخنانی که در پادکست رسمی دولت خطاب به دولت ایران گفت، در داخل آلمان بازتاب گسترده ای داشت. او گفت: « این چه حکومتی است که به مردم خود شلیک می کند؟»^(۱). در ۳ نوامبر ۲۰۲۲ میلادی آلمان به اتباع خود درباره سفر به ایران هشدار داد و اعلام کرد: « واقعا این خطر وجود دارد که شهروندان آلمانی خودسرانه بازداشت شوند و احکام حبس طولانی مدت در حق آنها صادر شود». در اواخر همان ماه، بنا بر ابتکار آلمان و ایسلند، اکثریت ساده اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل یعنی ۲۵ کشور از مجموع ۴۷ کشور (UNHRC) قطعنامه ای صادر کردند مبنی بر اینکه در مورد رفتار دستگاه امنیتی علیه تظاهر کنندگان ایرانی تحقیقاتی صورت گیرد. و کشورهای عضو به اخراج ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل (CSW) رأی دادند.^(۲)

(۱) *The Guardian*, «Germans 'Disgusted' by Iran Protest Crackdown, Says Chancellor», (November ۲۰۲۲, ۱۲), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۴۰W۰TwH>

(۲) *Anadolu Ajansi*, «Germany Summons Iran's Ambassador over Execution of Ex-Top Iranian Politician», (January ۲۰۲۳, ۱۶), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <https://bit.ly/۳UmmRXc>

در اواخر دسامبر سال ۲۰۲۲ میلادی، کریستوفر برگر سخنگوی وزارت خارجه آلمان به رسانه ها گفت که بخاطر اوضاع اسفبار حقوق بشر در ایران، آلمان دلیلی نمی بیند که مذاکرات متوقف شده برجامی احیا گردد^(۱). در اوایل ماه ژانویه، آلمان و کشورهای غربی دیگر مانند فرانسه و نروژ سفرای ایران را فراخواندند و مراتب اعتراض جدی کشورشان درباره اعدام تظاهر کنندگان ایرانی را اعلام کردند. سپس آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان در یک مصاحبه مطبوعاتی بر این نکته تأکید که این اعدامها بدون جواب نخواهد ماند. و اتحادیه اروپا باید در این مورد هم رأی بماند و نباید موارد نقض حقوق بشر در ایران را نادیده بگیرد^(۲). او دعوت از چهره های اپوزیسیون ایرانی برای حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ در اواسط فوریه ۲۰۲۳ میلادی و عدم دعوت از هیچ مقام حکومتی ایران را یک پیام بسیار مهم به تهران دانست که میزان همبستگی برلین با اعتراضات ایران را نشان می دهد^(۳). علی رغم اینکه همزمان با تلاشهای دیپلماتیک، بسته های تحریمی از سوی آلمان و اتحادیه اروپا علیه ایران وضع می شود، اما بارها و بارها دولت آلمان متهم شده است که واکنش آلمان در قبال اعتراضات مردمی ایران همچنان دیرهنگام است. و در ایجاد واکنش مناسب در قبال حوادثی که همچنان تکرار می شود، توفیق چندانی ندارد.

دو. تحریمهایی آلمان و اتحادیه اروپا علیه ایران:

پیشنهاد اعمال تحریمها علیه ایران از سوی کشورهای اروپایی با هدف تشویق اعتراضات ایران نبود. اما در اواسط اکتبر ۲۰۲۲ میلادی، اتحادیه اروپا اولین بسته تحریمی را بخاطر نقض حقوق بشر در مورد گشت ارشاد و ده تن و نهاد دیگر از جمله «بسیج» تصویب کرد. در ماه بعد، اتحادیه اروپا ۳۱ فرد و نهاد دیگر از جمله اعضای سپاه پاسداران را تحریم کرد. و بعد از اینکه ایران دومین معترض بازداشتی را در دسامبر ۲۰۲۲ میلادی

(۱) *Middle East Monitor*, «Germany Says It Sees No Reason to Resume Iran Nuclear Talks», Ibid.

(۲) *Anadolu Ajansı*, «Germany Summons Iran's Ambassador over Execution of Ex-Top Iranian Politician», Ibid.

(۳) *International Institute for Iranian Studies*, «Germany Increases the Pressure on Iran», (March ۲۰۲۳, ۶), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳ZZDqJQ>

اعدام کرد، اتحادیه اروپا سومین بسته تحریمی را علیه عده ای از مقامات سپاه پاسداران تصویب کرد^(۱). در ۲۳ دسامبر ۲۰۲۲ میلادی بخاطر سرکوب اعتراضات مردمی در ایران، دولت آلمان اقداماتی را که برای تقویت روابط تجاری روی دست گرفته بود، به حالت تعلیق درآورد. که این امر بر اعتبار صادراتی و ضمانتهای سرمایه گذاری و نیز برنامه آموزش مدیران در آلمان و برنامه نمایشگاههای تجاری در ایران که بعد از امضای برجام و در سال ۲۰۱۶ میلادی افتتاح شد اما حداقل تا سال ۲۰۱۹ میلادی همچنان غیر فعال ماند، تأثیر می گذارد^(۲).

در حالیکه اکنون آلمان بر افزایش دامنه فشارها بر نظام ایرانی متمرکز است، و علی رغم اینکه اعتراضات همچنان در اتحادیه اروپا ادامه دارد^(۳) و پارلمان اروپا در ژانویه ۲۰۲۳ میلادی با اکثریت آراء به گنجاندن سپاه پاسداران در لیست سیاه رأی دادند، اما بحث اصلی درباره گنجاندن سپاه پاسداران ایران در فهرست گروههای تروریستی همچنان ادامه دارد. همچنین در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳ میلادی اتحادیه اروپا در کنار ایالات متحده و انگلستان تحریمهای بیشتری که شامل ممنوعیت سفر و بلوکه کردن اموال است بر ۱۸ شخص و ۱۹ نهاد وضع کردند^(۴). در ۲۰ فوریه ۲۰۲۳ میلادی تحریمهای بیشتری بر ۳۲ فرد و دو نهاد ایرانی که در نقض حقوق بشر دست داشتند، وضع کرد^(۵). در حالیکه برخی از اعضای پارلمان آلمان خواهان معرفی سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی هستند، مقامات برلین و جوزف پورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هنوز در این باره تردید دارند که بتوان بدون صدور حکم یکی از دادگاههای کشورهای عضو اتحادیه اروپا، بتوان سپاه

(۱) Siebold, Sabine, and Ingrid Melander, «EU Imposes New Iran Sanctions, No Deal Yet on New Russia Package», Reuters, (December ۲۰۲۲, ۱۲), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳Uqv۰u۴>

(۲) Iran International, «Germany Halts Guarantees for Business with Iran», Iran International, (December ۲۰۲۲, ۲۴), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳KoMHFJ>

(۳) VOA, «Opposition Groups Rally in Paris Demanding EU List Iran's Guards as Terrorist Group», (February ۲۰۲۳, ۱۲), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳GtxyBL>

(۴) Iran International, «EU Imposes New Sanctions on IRGC Short of Terrorist Designation», Iran International, January ۲۰۲۳, ۲۳. Accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳zN۶Mka>

(۵) European Council, EU. «Timeline-Iran: Eu Restrictive Measures-Consilium», (۲۰۲۳), Accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <https://bit.ly/۳nTwOzf>

پاسداران ایران را در لیست سازمانهای تروریستی گنجانند^(۱). با این همه، هنوز از رأی دادگاه در این زمینه خبری نیست. پورل تأکید کرد که ایده معرفی سپاه پاسداران به عنوان سازمان تروریستی دور از ذهن نیست. وی همچنین تأکید کرد که رأی دادگاه از ناحیه اجرایی ضروری نیست و برای درج سپاه پاسداران در لیست سپاه دلایل کافی وجود دارد^(۲). در بسته تحریمی دیگری، در تاریخ ۱۰ مارس ۲۰۲۳ میلادی تروئیکای اروپایی تصمیم گرفتند مکانیسم حمایت از مبادلات تجاری «اینستکس/INSTEX» با ایران را لغو کنند. گفتنی است که اینستکس برای کاهش پیامدهای تحریمهای امریکا مخصوصاً در زمینه نیازهای بشر دوستانه ایجاد شده بود. با این همه، ایران با مخالفت با هرگونه معاملات مالی، این راه را با شیوه هدفمندی مسدود کرد. از نگاه ایران، این ابزار یک اقدام نمادین از سوی طرفهای اروپایی در برجام بود تا ایران همچنان به تعهدات برجامی خود پایبند بماند. تهران بر این باور است که کشورهای اروپایی بخاطر ترسی که از اقدامات تلافی جویانه ایالات متحده داشتند، در اجرایی ساختن این راهکار چندان جدیتی از خود نشان ندادند و باعث شکست این راهکار شدند^(۳).

پنجم: پیامدها و دورنمای آینده

اعتراضات مردمی ایران سبب شد که سیاست خارجی فمنیستی آلمان که مبتنی بر حقوق بشر است، توجه جهان را به خود جلب کند. اما در پی این امر، برلین مورد انتقادات تندی نیز قرار گرفت زیرا نتوانست در همراهی با اعتراض کنندگان چندان با قدرت ظاهر شود و سبب شود که جهان مواضع قاطعانه ای در قبال اقدامات تجاوزکارانه نظام ایران اتخاذ کند. در حالیکه دولت آلمان اعلام کرده است که در سیاست خود در قبال ایران تغییرات

(۱) Der Spiegel, «Iran: Lars Klingbeil (SPD) Fordert Aufnahme Iranischer Revolutionsgarde Auf EU-Terrorliste», (March ۲۰۲۳, ۱۲), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۴۱c۹Bqs>

(۲) Grischek, Friederike, «Why Declaring the Iranian Revolutionary Guards a Terrorist Group Is a Trickier Business than One May Think», Verfassungs blog, (February ۲۰۲۳, ۲), accessed April ۱۰, ۲۰۲۳. <http://bit.ly/۴۰MehDH>

(۳) Iran International, «Europe Dissolves Instex Mechanism for Trade with Iran», (March ۲۰۲۳, ۱۰). Accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۴Un0cPe>

عمده ای ایجاد می کند، اما شواهدی در دست است که خلاف آن را ثابت می کند. زیرا اول: آلمان اولین شریک تجاری ایران در سطح اروپا است. دوم: آلمان برای انزوای دیپلماتیک ایران اقدامی نکرد و روابط تأثیرگذار و گسترده خود با ایران را به حالت تعلیق درنیاورد. سوم: تحریمهایی که مقامات ایرانی را در پی نقض حقوق بشر و سرکوب اعتراضات مردمی هدف قرار داده، آن قدر گسترده نیست که نظام ایران را از عمق تضعیف کند. و نکته دیگر اینکه، معرفی سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی در تحقق این هدف اهمیت بسیار دارد اما تا کنون تصمیمی در این مورد اتخاذ نشده است.

علاوه بر آن، سیاست خارجی آلمان در چارچوب حقوق بشر و الگوی فمینیستی، انتظارات در مورد واکنش این کشور در قبال سرکوب اعتراضات مردمی توسط نظام، و اقدامات خصمانه دیگری که نظام در سطح منطقه و جهان دنبال می کند را افزایش داد. با این همه، پر واضح است که روش آلمان در اعمال تحریمهای محدود، اعتراض از مجاری دیپلماتیک و محکومیتهای کلیشه ای منافع واقع گرایی ملموس آلمان را در نظر گرفته است. که در این مورد چند دلیل وجود دارد. اول: علی رغم اظهارات اخیر آلمان مبنی بر تمرکز این کشور بر وضعیت حقوق بشر در ایران، اما همیشه این نگرانی وجود دارد که اعمال تحریمهای گسترده علیه ایران، تلاشها برای احیای برجام را بر باد دهد. دوم: منافع اقتصادی آلمان؛ به ویژه وضعیت اقتصادی که حمله نظامی روسیه به اوکراین آن را رقم زده است. سوم: همواره این نگرانی وجود داشته است که تروریستی شناخته شدن سپاه پاسداران، زندگی شهروندان ایرانی و نیز فعالیتهای دیپلماتیک را تحت تأثیر قرار دهد. چهارم: نبود اراده جدی برای تغییر رژیم ایران؛ چرا که این امر ثبات ایران و منطقه را بر هم می زند.

در همین زمینه، تمرکز آلمان بر سیاست خارجی مبتنی بر حقوق بشر، باورهای نادرستی را ایجاد کرده است مبنی بر اینکه برلین همه مسائل را فدای مواجهه با ایران خواهد کرد. و این رویکرد سبب ایجاد معیارهای نادرستی

مانند حمایت نامحدود از اعتراض کنندگان تا حد حمایت از سرنگونی رژیم ایران شد که منتقدان سیاست خارجی فمنیستی از آن استفاده کردند^(۱). این باورها ارزیابی نادرستی از قدرت محدود آلمان در تأثیرگذاری بر حوادث ایران ارائه می دهد و موازنه میان مسائل اقتصادی و امنیتی به شکل مطلوب را نادیده می گیرد. سیاست خارجی فمنیستی از ملاحظات واقع گرایی چندان دور نیست؛ زیرا این سیاست با درک ملاحظات واقع گرایی، یک طرح دراز مدت برای مقابله با نظامهای طرفدار نابرابری است. علاوه بر آن، میزان آمادگی آلمان برای اتخاذ تدابیر تدریجی و عملی در درازمدت را می توان با مورد ایران محک زد. و می توان در مورد دیپلماسی آلمان حکم کرد که آیا اکنون برای ایجاد تغییر، به ایجاد شبکه ها و ائتلافها و حمایت از اقشار به حاشیه رانده شده در داخل و خارج، روی آورده است. سیاست خارجی فمنیستی این واقعیت را درک می کند که تغییر از پایین به بالا اتفاق می افتد و افراد و اماکنی در ایجاد تغییر پیشگام می شوند که در طول تاریخ در آلمان مورد توجه نبوده اند^(۲). و این سیاست فمنیستی آلمان نیست که تغییر تدریجی در ایران را رقم خواهد زد بلکه چنین تغییری حاصل انقلاب زنانه ایران است. و این تغییر زمانی رخ خواهد داد که خواست زنان ایرانی و دیگر گروههای پیشگام در اعتراضات مبنی بر برابری در حقوق تحقق یافته باشد. و آلمان می تواند نقش مهم – هرچند محدودی- در دستیابی به این نتیجه از خود نشان دهد.

و در پایان، در سایه تحولات کنونی که در روابط امنیتی آلمان و ایران و نیز وضعیت حقوق بشر در ایران پیش آمده است، دو سناریو در آینده محتمل است. زیرا آلمان برای حل علل اصلی این بحران و خشونت، در هر نوع تعامل دیپلماتیک با ایران مسأله حقوق بشر و امنیت انسانی را مطرح می کند.

سناریوی اول: در پیامهای اصلی که در پاسخ به موارد نقض حقوق بشر در ایران ارسال می شود، از ادبیاتی که برابری جنسیتی و درهم تنیدگی

(1) Ruptly, «Germany: Bundestag Discusses Motion to Support Iranian Protest Movement», (October ۲۰۲۲, ۱۳), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳miLqIf>

(۲) Parkes, Roderick, Dana Schirwon, and Leonie Stamm, «Iran Is No Litmus Test for Germany's Feminist Foreign Policy», Ibid.

انواع تبعیض را لحاظ کرده است، استفاده گردد. و این مسأله تا کنون بصورت پیگیر در آلمان عملی نشده است. این امکان وجود دارد که با پیگیری جدی مطالبات شهروندان معترض ایران و بررسی و تحلیل داده ها از منظر برابری جنسیتی برای شناسایی منابع ستم در ایران و زیر ذره بین بردن درهم تنیدگی انواع تبعیض در این منابع ستم^(۱)، برای از بین بردن ریشه های ظلم در ایران تلاش بیشتری به خرج داد.

آلمان برای حمایت از مستند سازی و کسب آگاهی از موارد متعدد و بی شمار نقض حقوق بشر در ایران، با سازمانهای جامعه مدنی مورد اعتماد در خارج از ایران از نزدیک وارد گفتگو خواهد شد تا مقامات ایرانی را مورد بازخواست قرار دهد و موارد مشخص و صریحی که به نقض حقوق بشر مربوط می شود را ارائه نماید. و احکام سختگیرانه ای که علیه افراد و نهادها برای کاهش ضرر به زنان اقشار ضعیف وضع می شود، کمک شایانی به این امر است. آلمان در سطح منطقه ای برای تأمین پناهگاههای امن برای زنان و فعالین حقوق بشر با کشورهای چون عراق، ترکیه و پاکستان همکاری می کند و تلاش برای برابر جنسیتی در چارچوب سیاست خارجی را افزایش می دهد^(۲).

سناریوی دوم: با توجه به این واقعیت که ایران برای مدیریت تنشها در بیشتر موارد تنش آفرینی بیشتر روی می آورد، و با توجه به نگرانیهای امنیتی عمیق که در نهایت به افزایش تنش دامن می زند، هرچند ایران در منطقه و نیز علیه آلمان و اتحادیه اروپا به تنش آفرینی بیشتری روی آورد، همکاری امریکا و اروپا برای اتخاذ تدابیر سختگیرانه تری علیه ایران بیشتر می شود. و این امر در نهایت به انزوای بیشتر ایران می انجامد و بحران داخلی آن را وخیم تر می سازد. و نظام ایران به همکاری بیشتر با چین و روسیه روی خواهد آورد^(۳).

(۱) German Institute for Global and Area Studies, «Iran's Uprisings: A Feminist Foreign Policy Approach», (۲۰۲۲), accessed April ۲۰۲۳, ۱۰. <http://bit.ly/۳MwGV۲u>

(۲) Mittelhammer, Barbara, and Cornelius Adebahr, «Women, Life, Freedom: A German Feminist Foreign Policy towards Iran», Ibid.

(۳) Rasanah, «Germany Increases the Pressure on Iran», Ibid.

تفاوت میان این دو سناریو این است که سیاست خارجی هماهنگ آلمان که با سناریوی اول همخوانی دارد، به پیامدهای اقدامات خود بر قشر آسیب پذیر ایران توجه دارد و نقش محدود خود را در تقویت جامعه مدنی ایفا می کند. در سناریوی دوم، آلمان در مقابل تنش آفرینی ایران به واکنش خصمانه تری روی می آورد در نتیجه، ملت ایران قربانی این اختلافات میان آلمان و ایران می شود و بیش از پیش گرفتار می گردد. شاید اگر آلمان در مقابل نظام ایران که به سرکوب تمام ملت خود می پردازد، نخواهد واکنش خصمانه تری از خود نشان ندهد، به معنای شکست سیاست فمنیستی آلمان نباشد، ولی گویای این است که سیاست خارجی فمنیستی تازه در آلمان شروع شده است. و علی رغم اینکه آلمان می تواند عملکرد این سیاست را بهبود ببخشد، اما نمی توان بخاطر نوع واکنش آلمان در قبال ایران، جنبش فمنیستی را سرزنش کرد.

